



Compensation for Damages Caused by Labor Rights With an Emphasis on the Role of Fault

Mohammad Amin Najarzadeh¹, Alireza Hasani^{2*}, Mohsen Taheri³

1. PhD Student in the Department of Private Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Private Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Public Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:51-68

Article history:

Received: 14 Jul 2023

Edition: 08 Oct 2023

Accepted: 20 Dec 2023

Published online: 22 Sep 2024

Keywords:

Liability for Damage, Labor Rights, Fault, Pure Liability, Guarantee of Right.

Corresponding Author:

Alireza Hasani

Address:

Iran, Islamic Azad University, Damghan Branch, Faculty of Humanities, Department of Law.

Orchid Code:

0000-0001-8793-6992

Tel:

09123325818

Email:

alirezahasani332@gmail.com

ABSTRACT

Background and Purpose: Examining the issues related to work and employment and the relationship between the worker and the employer is one of the important issues, the necessity of which is felt today more than ever. The purpose of this article is to compensate the damages caused by labor rights by emphasizing the role of fault.

Materials and Methods: The research method is descriptive and analytical and this research is theoretical. The method that has been used.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

findings: Compensation for damages caused by labor rights is done in two ways, including civil liability of the employer or the social security and insurance system. Damage compensation is through the "main" civil liability system and through the "subsidiary" social security and insurance system. And on the other hand, since full compensation for damages is not accepted in the social security and insurance systems, and they pay damages up to a certain limit, and some other damages, such as moral damages, increase in living expenses.

Result: compensation for work accidents is based on the assumption of fault and the legislator has only made exceptions in this regard. According to the first part of Article 12 of the Civil Liability Law, the basis of responsibility is based on the guarantee of the right and vicarious liability, and according to the second part of the mentioned article, the employer is presumed.

Cite this article as:

Najarzadeh , MA; Hasani, A; Taheri, M. *Compensation for Damages Caused by Labor Rights With an Emphasis on the Role of Fault*. Economic Jurisprudence Studies. 2024.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره ششم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

جبران خسارت ناشی از حقوق کار با تأکید بر نقش تقصیر

محمدامین نجارزاده^۱، علیرضا حسنی^{۲*}، محسن طاهری^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق عمومی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: بررسی مسائل مربوط به کار و کارگر و ارتباط کارگر و کارفرما، از جمله مسائل مهمی است که، ضرورت آن امروز بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. هدف مقاله حاضر، جبران خسارت ناشی از حقوق کار با تأکید بر نقش تقصیر است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق، به صورت توصیفی تحلیلی بوده و این تحقیق از نوع نظری می‌باشد. روشی که برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است؛ بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: جبران خسارت ناشی از حقوق کار، از دو طریق شامل مسئولیت مدنی کارفرما و یا نظام تأمین اجتماعی و بیمه صورت می‌گیرد. جبران خسارت از طریق نظام مسئولیت مدنی «اصل» و از طریق نظام تأمین اجتماعی و بیمه «فرع» است. از طرفی چون جبران کامل خسارت در نظام تأمین اجتماعی و بیمه پذیرفته نشده است؛ و تا سقف مشخصی و معینی خسارت پرداخت می‌نمایند، زیان دیده جهت جبران خسارت کامل لاجرم می‌بایست طبق قواعد عام مسئولیت مدنی علیه واردکننده زیان طرح دعوی نماید.

نتیجه: جبران خسارت در حوادث کار، بر مبنای فرض تقصیر قرار گرفته و قانون‌گذار تنها استثنائاتی در این خصوص قائل گردیده است. مطابق بخش نخست ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، مبنای مسئولیت مبتنی بر تضمین حق و مسئولیت نیابتی است؛ و مطابق بخش دوم ماده مورد اشاره، در صورت عدم رعایت احتیاط‌های مزبور کارفرما مرتکب تقصیر شده و مبنای مسئولیت او در جبران خسارت تقصیر است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۱-۶۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۳

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

مسئولیت خسارت، حقوق کار، تقصیر، مسئولیت محض، تضمین حق.

نویسنده مسئول:

علیرضا حسنی

آدرس پستی:

ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق.

تلفن:

09123325818

کد ارکید:

0000-0001-8793-6992

پست الکترونیک:

alirezahasani332@gmail.com

۱. مقدمه

بررسی مسائل مربوط به کار و کارگر و ارتباط کارگر و کارفرما، از جمله مسائل مهمی است که ضرورت آن امروز بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. این احساس نیاز، با توجه به صنعتی شدن جوامع و دستیابی آن‌ها به پیشرفت‌های اقتصادی در سایه افزایش حجم کارهای تولیدی و همچنین ازدیاد جمعیت و نیروی کار، در سال‌های اخیر افزایش یافته است. بدیهی است که با افزونی این تعاملات، برخوردها و اختلافاتی نیز در محیط‌های کاری به وجود می‌آید. خطرهای شغلی که در زمره آن‌ها حوادث ناشی از کار است هر ساله تعداد بسیاری از کارگران را در سراسر جهان مصدوم و یا از کار افتاده می‌کند و خسارات زیادی به کارگران وارد می‌آورد و سلامت نیروی فعال کشورها را به خطر می‌اندازند. از سوی دیگر گسترش صنایع و کار کارگران محرک رشد اقتصادی است و برای همه کشورها تداوم آن‌ها اهمیت حیاتی دارد. برای شروع ارتباط کاری میان کارگر و کارفرما، قراردادی کتبی یا شفاهی منعقد می‌شود و به موجب آن کارگر در قبال دریافت مزد، کاری را برای مدتی معین (موقت یا غیرموقت) برای کارفرما انجام می‌دهد. این قرارداد مشخص‌کننده و نمایانگر میزان دقیق ساعات کار، چگونگی کار، دریافت مزد و دیگر موارد است و در صورت بروز هرگونه اختلاف، ابتدا به آن رجوع می‌گردد؛ بنابراین کارگر و کارفرما بر طبق قرارداد کار و تحت شرایطی که منعقد نموده‌اند؛ در مقابل یکدیگر دارای حقوق و تکالیفی هستند و طبق قانون هر کدام از کارگر و کارفرما تعهدات قراردادی خود را به درستی انجام ندهند، بر مبنای قانون دارای

مسئولیت مدنی و کیفری بوده و ناگزیر به جبران خسارت‌های منجر شده از کار می‌باشند. مسئولیت مدنی حوادث ناشی از کار به عنوان استثنایی بر اصل شخصی بودن مسئولیت در حقوق ایران طی قوانین مرتبط و مختلف پیش‌بینی گردیده است. پراکندگی مصادیق موجود و گستردگی مبنای و قواعد حاکم بر آن‌ها و تئوری‌های مطرح شده در این مورد، معرفی یک مبنای مشترک، و به تبع آن قواعد مشترک حاکم بر این مسئولیت استثنایی را دشوارتر می‌نماید. اهمیت بررسی موضوع به لحاظ تعیین نوع مسئولیت کارفرما در حوادث ناشی از کار که ناشی از فعل شخصی یا ناشی از فعل کارگر و نحوه تأثیرگذاری آن به جبران خسارات وارده بیشتر متبلور می‌شود و از سوی دیگر، ارکان سه‌گانه مسئولیت (ضرر، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت) و تقصیر جای بحث بیشتری پیدا می‌کند. در خصوص مسئولیت مدنی کارفرما پژوهش‌های متعددی انجام شده است: سیدعلی احمدی و داود اسلامی، در مقاله‌ای به بررسی مسئولیت کارفرما در قبال زیان ناشی از فعل کارگر به ثالث در فرض اقدام کارگر خارج از حیطه دستورات پرداخته‌اند (احمدی و اسلامی، ۱۳۹۹) کیومرث رومی‌پور نیز در مقاله‌ای، مسئولیت کارفرما در قبال کارگران در دوران همه‌گیری کرونا را مورد بررسی قرار داده است (رومی‌پور، ۱۴۰۱) همچنین محمد احمدی، سارا نظرنیا خراجو و مجتبی ضرابی، در مقاله‌ای انواع مسئولیت‌های کارفرما را با نگاهی بر قوانین کار و تامین اجتماعی تحلیل و تبیین کرده‌اند (احمدی، نظرنیا خراجو و ضرابی، ۱۳۹۹) تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام شده این است که هدف مقاله حاضر بررسی جبران خسارت ناشی از حقوق کار با تأکید بر نقش تقصیر است. سؤال مقاله بدین شکل قابل طرح است که

۵. بحث

ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ برای اولین بار در مورد مسئولیت مدنی کارفرما ناشی از خساراتی که توسط کارگران و کارکنان او به اشخاص ثالث وارد می‌شود احکام خاصی مقرر نموده است این ماده که از قانون تعهدات سوئیس اخذ شده به نحوی تنظیم گردیده که مبنای مسئولیت ناشی از آن را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد و بخشی از ماده بر مبنای نظریه خطر و بخش دیگر بر مبنای نظریه تقصیر بنا شده است (اسدی‌نیا، ۱۳۹۴، ۹۱).

ماده ۶۶ قانون تأمین اجتماعی مقرر می‌دارد؛ «در صورتی که ثابت شود وقوع حادثه مستقیماً ناشی از عدم رعایت مقررات حفاظت فنی و ایمنی و بروز بیماری ناشی از عدم رعایت مقررات بهداشتی و احتیاط لازم از طرف کارفرما یا نمایندگان او باشد سازمان تأمین اجتماعی هزینه‌های مربوط به معالجه و غرامات و مستمری‌ها و غیره را پرداخته و طبق آئین نامه‌ی اجرائی ماده ۵۰ این قانون از کارفرما مطالبه و وصول خواهد نمود». مطابق تبصره ۲ همان ماده «هرگاه بیمه‌شده مشمول مقررات مربوط به بیمه شخص ثالث باشد در صورت وقوع حادثه سازمان تأمین اجتماعی شخصاً کمک‌های مقرر در این قانون را نسبت به بیمه‌شده انجام خواهد داد و شرکت‌های بیمه موظفاند خسارات وارده به سازمان‌ها را در حدود تعهدات خود نسبت به شخص ثالث بپردازند».

«ماده ۹۱ قانون کار، مسئولیت اجرای مقررات و ضوابط فنی و بهداشت کار را برعهده کارفرما و یا مسئولین واحدها قرار داده است و در صورت عدم رعایت مقررات مذکور از سوی کارفرما یا مسئولین واحد، حادثه‌ای رخ دهد شخص کارفرما یا مسئول مذکور از نظر کیفری و حقوقی مسئول خواهند بود»

جبران خسارت حوادث ناشی از کار چگونه بوده و تقصیر چه نقشی در جبران خسارت ناشی از این حوادث ایفا می‌کند؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا، جبران خسارت در حوادث ناشی از کار بررسی شده و در ادامه از نقش تقصیر در جبران خسارت بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی بوده و این تحقیق از نوع نظری می‌باشد. روشی که برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به کتب و مقالات صورت گرفته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

جبران خسارت ناشی از حقوق کار از دو طریق شامل مسئولیت مدنی کارفرما و یا نظام تأمین اجتماعی و بیمه صورت می‌گیرد. جبران خسارت از طریق نظام مسئولیت مدنی «اصل» و از طریق نظام تأمین اجتماعی و بیمه «فرع» است. و از طرفی چون جبران کامل خسارت در نظام تأمین اجتماعی و بیمه پذیرفته نشده است و تا سقف مشخصی و معینی خسارت پرداخت می‌نمایند و برخی از خسارات دیگر از قبیل خسارات معنوی، افزایش هزینه‌های زندگی و خسارت بر اموال تحت پوشش نظام‌های فوق نمی‌باشد. زیان‌دیده جهت جبران خسارت کامل لاجرم می‌بایست طبق قواعد عام مسئولیت مدنی علیه واردکننده زیان طرح دعوی نماید.

خسارت حوادث ناشی از کار، نحوه جبران خسارت و به عبارتی روش‌های جبران خسارت نیز بررسی می‌گردید، با امعان نظر به فرض مسئولیت کارفرما در ماده ۱۲ ق. م. م. ماده ۶۶ ق. ت. ا و ماده ۹۵ ق. ک. همگی حاکی از این مطلب است که هدف از فرض مسئولیت کارفرما صرفاً به خاطر این است - که هیچ خسارتی جبران نشده باقی نماند و زیان دیده با اعسار و عدم توانایی مالی کارگر یا فاعل زیان روبرو نشود و گرنه کارفرما می‌تواند با اثبات تقصیر کارگر در ورود زیان به او رجوع نماید (امامی، ۱۳۸۹، ۵۸۶).

۵-۱-۲. جبران خسارت از طریق تأمین اجتماعی

امروزه با گسترش بیمه‌های مسئولیت مدنی و نقش سازمان تأمین اجتماعی در جبران خسارت بار سنگین جبران خسارت یا از دوش کارفرما به‌طور کلی برداشته شده است و یا از میزان مسئولیت او در قبال زیان دیده کاسته است؛ بنابراین علاوه بر کارفرما شرکت‌های بیمه‌ای و سازمان تأمین اجتماعی نیز در جبران خسارت زیان دیده نقش مؤثری دارند که به نظر می‌رسد هدف قانون‌گذار از پیش‌بینی نهادهای فوق در جبران خسارت جلوگیری از ورشکستگی کارفرما و حمایت از کارفرما و کارگر و در نهایت حمایت از تولید می‌باشد. با این اوصاف ضمن نقد و بررسی مسئولیت کارفرما و نهادهای مسئول در جبران خسارت نحوه جمع مبالغ قابل پرداخت از طریق کارگر بیمه و تأمین اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این قسمت به بررسی جبران خسارت از طریق تأمین اجتماعی پرداخته می‌شود.

(دوانی، ۱۳۸۵، ۸۹). ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی، کارفرمایان را مکلف به انجام معاینات پزشکی قبل از به کارگماردن کارگران جهت ارزیابی قابلیت و استعداد جسمانی متناسب با کارهای مرجوع به افراد شاغل نموده است که در صورت تعلل کارفرما در انجام معاینه پزشکی و با بالنتیجه بیمه‌شده دچار حادثه شود یا بیماری‌اش تشدید یابد، پس از جبران خسارت وارده توسط سازمان تأمین اجتماعی هزینه‌های مربوط از کارفرما مطالبه و وصول خواهد شد.

۵-۱-۱. جبران خسارت در حوادث ناشی از کار

جبران خسارت در حوادث ناشی از کار به دو صورت جبران از طریق کارفرما و جبران از طریق تأمین اجتماعی و بیمه انجام می‌شود که در این مبحث بررسی می‌شود.

۵-۱-۱-۱. جبران از طریق کارفرما

در راستای حمایت از کارگر قانون‌گذار ایران با تکلیف کارفرما به بیمه نمودن کارگران طبق ماده ۱۳ قانون کار و ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی دامنه مسئولیت مدنی در این بخش گسترش بیشتری یافته است. در نظام‌های مبتنی بر مسئولیت کارفرما، کارفرما مکلف است که خسارت ناشی از عمل کارگر را جبران نماید بدون آن که تقصیری کرده باشد و سپس نظام‌های حمایتی خاص نیز از قبیل بیمه و تأمین اجتماعی ملحق به آن شده‌اند؛ که در حقوق ایران نیز به این صورت نظام‌های خاص جایگزین مسئولیت مدنی گردیده‌اند (بادینی، ۱۳۸۴، ۵۹۴).

مسئولیت کارفرما در حوادث ناشی از کار هم به‌عنوان استثنائی بر اصل شخصی بودن مسئولیت و هم به‌عنوان مسئولیت اصلی مورد نقد و بررسی قرار گرفت و با پذیرش مسئولیت کارفرما در جبران

۵-۱-۲-۱. تأمین اجتماعی و حقوق کار

به‌طور کلی در نظام عام مسئولیت مدنی، هر نوع خسارت، اعم از مالی، بدنی یا معنوی قابل جبران است و «اصل لزوم جبران کامل خسارت» اقتضا دارد که زیان دیده کاملاً به وضعیت قبل از ورود حادثه زیان‌بار برگردد. در حوادث کار اشخاص و نهادهای متعددی برحسب قانون در جهت جبران خسارت مسئول و درگیر می‌شوند. سازمان تأمین اجتماعی شرکت‌های بیمه، عامل حادثه (کارگر، کارفرما، شخص ثالث) هر یک ممکن است در جبران زیان مسئول باشند. حمایت‌های تأمین اجتماعی از حوادث کار امروزه در بیشتر کشورهای جهان در نظام تأمین اجتماعی وارد شده و در مقاله نامه شماره ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار به‌عنوان یکی از استانداردهای حداقل تأمین اجتماعی تعیین شده است. در ایران باوجود این‌که بیمه‌های اجتماعی، نقش بسیار مهمی در جبران خسارت حوادث ناشی از کار بر عهده دارد؛ اما مسئولیت عامل حادثه، به‌طور کامل به بیمه‌های اجتماعی منتقل نمی‌گردد و تنها بخشی از زیان را طبق قانون، بیمه‌های اجتماعی پرداخت می‌نمایند. «مزایای تأمین اجتماعی در حوادث کار بدون توجه به‌میزان سابقه پرداخت حق بیمه برقرار است. خواه خدمات پزشکی و مزایای مربوط به آن و خواه مزایای نقدی. به‌موجب بند ۲ ماده ۹ مقاله نامه شماره ۱۲۱ سازمان بین‌المللی کار، برخورداری از مزایا نباید منوط به سابقه کار، سابقه بیمه یا پرداخت حق بیمه شود. در قانون تأمین اجتماعی ایران و سایر قوانین خاص نیز در مورد حوادث ناشی از کار استفاده از هیچ‌کدام از مزایای تأمین اجتماعی منوط به سابقه کار یا پرداخت حق بیمه نشده است» (یزدانیان، ۱۳۸۹، ۶۵). ماده ۷۱ قانون تأمین اجتماعی به‌صراحت در این زمینه اعلام داشته

است: «بیمه‌شده‌ای که در اثر حادثه ناشی از کار یا بیماری حرفه‌ای از کار افتاده کلی شناخته شود بدون در نظرگرفتن مدت پرداخت حق بیمه استحقاق دریافت مستمری از کار افتادگی کلی ناشی از کار را خواهد داشت». «در خصوص سایر مزایا نیز قانون یادشده برخورداری از مزایای را منوط به پرداخت سابقه حق بیمه ندانسته و اصولاً وقتی که بیمه شده بدون در نظرگرفتن مدت پرداخت حق بیمه بتواند از مستمری از کارافتادگی کلی ناشی از کار استفاده نماید، به‌طریق اولی باید بتواند از سایر مزایا نیز بهره‌مند گردد. بند یک بخش‌نامه شماره یک مشترک فنی و درآمد، موضوع دستورالعمل اجرایی قانون و آیین‌نامه بیمه اجتماعی رانندگان، ارائه خدمات درمانی به رانندگان بیمه‌شده و افراد تحت تکفل آنان را به‌طور کلی منوط به پرداخت حق بیمه معوقه و هم-چنین حق بیمه دوره سه‌ماهه آتی کرده است» (خزائلی، ۱۳۹۲، ۹۵). «که برخلاف نص صریح ماده واحده قانون بیمه اجتماعی رانندگان حمل‌ونقل بار و مسافر بین‌شهری مصوب ۱۳۷۹ است؛ زیرا قانون مذکور برای این دسته از رانندگان نوعی بیمه اجباری را مقرر داشته و در ذیل آن اعلام شده که در صورت عدم پرداخت حق بیمه، سازمان تأمین اجتماعی حق بیمه راننده را و متفرعات آن را طبق قانون وصول می‌کند و از این حیث مشابه قانون تأمین اجتماعی است» (عراقی و همکاران، ۱۳۸۶، ۱۹۳). «این موضوع هر جا که تهیه پوشش بیمه‌ای اجباری باشد صدق می‌کند؛ اما در خصوص بیمه‌های اختیاری مسئولیت، چون برخورداری بیمه‌شده از مزایای تأمین اجتماعی یا مزایای قید شده در شرایط قرارداد منوط به پرداخت حق بیمه شده است؛ در تاریخ وقوع حادثه، رابطه بیمه شده، با سازمان نباید به دلیل عدم پرداخت حق بیمه

قطع شده باشد» (دوانی، ۱۳۸۵، ۸۹). تفاوت بیمه‌های اجباری و اختیاری از این حیث بدین جهت است که قانون‌گذار در بیمه‌های اجباری به سازمان تکلیف کرده است نسبت به جبران زیان اقدام نماید و این تکلیف منوط به پرداخت حق بیمه نگردیده است در حالی که در مورد بیمه‌های اختیاری تکلیفی ملاحظه نمی‌گردد؛ بنابراین عدم توجه به سابقه سنوات پرداخت حق بیمه از جمله ویژگی‌های جبران خسارت از طریق تأمین اجتماعی است.

هدف از بررسی سازوکارهای متعدد جبران خسارت پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا زیان‌دیده می‌تواند هم‌زمان از همه آن‌ها استفاده کند یا باید یکی را انتخاب کند و یا از یکی از آن‌ها را که قانون اجازه داده است استفاده نماید، به عبارتی دیگر آیا امکان أخذ خسارت مضاعف وجود دارد یا با أخذ خسارت از یکی از مسئولین امکان مراجعه به دیگری وجود ندارد. به نظر می‌رسد در غالب نظام‌های حقوقی جبران خسارت ضوابطی محدودکننده وجود دارد که مانع از جبران مضاعف خسارت می‌گردد. «با فرض تعدد مسئولین زیان‌دیده می‌تواند کل خسارت را از همه (به تساوی یا به نسبت درجه تقصیر) یا یکی از آن‌ها (به لحاظ وجود مسئولیت تضامنی آنان) بگیرد؛ اما نمی‌تواند بیش از خسارتی که به او وارد شده مطالبه نماید. این موضوع در حقوق بیمه نیز پیش‌بینی شده و بیمه مضاعف ممنوع است و بیمه‌گذار نمی‌تواند برای پوششی خطر چند بیمه‌نامه دریافت کند. هم-چنین در حقوق تأمین اجتماعی نیز هم‌پوشانی در برخورداری از مزایای تأمین اجتماعی منع شده است» (بادینی، ۱۳۸۷، ۲۰). هرچند به دلیل ضعف رویه قضایی و بحران قانون‌گذاری اجرای منع جمع چند وسیله جبران ضرر به روشی روشن تبیین

نگردیده است و کاهش مسئولیت واردکننده زیان از جبران خسارت وارده توسط سازمان تأمین اجتماعی در هیچ قانونی پیش‌بینی نگردیده است و عملاً زیان‌دیده هم از مزایای تأمین اجتماعی و بیمه استفاده می‌کند و هم می‌تواند به واردکننده زیان مراجعه کند و طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی خواهان جبران خسارت شود و روشن است که رجوع هم‌زمان زیان‌دیده و نهاد تأمین اجتماعی به واردکننده زیان نوعی اجحاف در حق کارفرماست چراکه وی حق بیمه تأمین اجتماعی را قبلاً پرداخته است. «بعد از تصویب قانون مجازات اسلامی و برقراری نظام دیات اعمال ماده ۳۰ ق.ب و ماده ۶۶ ق.ت.ا در خصوص خسارت بدنی با مشکل مواجه شده است و در عمل دادگاه‌ها هر مبلغی را که از طریق شرکت بیمه براساس قرارداد به‌عنوان غرامت قابل پرداخت باشد و یا مزایایی را که از طریق تأمین اجتماعی پرداخت شود بادیه‌ای که طبق ق.م.ا به همان خسارت تعلق می‌گیرد قابل جمع دانسته‌اند و استرداد مزایای تأمین اجتماعی و شرکت بیمه را ممکن نمی‌دانند لذا در خصوص خسارت بدنی در عمل جمع مزایا و جبران خسارت مضاعف زیان‌دیده اعمال می‌شود» (بادینی؛ اسلامی‌پناه؛ مقصودی، ۱۳۹۱، ۳۲). چون جبران کامل خسارت در نظام تأمین اجتماعی و بیمه پذیرفته نشده است و تا سقف مشخص و معینی خسارت پرداخت می‌نمایند و برخی از خسارات دیگر از قبیل خسارات معنوی، افزایش هزینه‌های زندگی و خسارت بر اموال تحت پوشش نظام‌های فوق نمی‌باشد زیان‌دیده جهت جبران خسارت کامل لاجرم می‌بایست طبق قواعد عام مسئولیت مدنی علیه واردکننده زیان طرح دعوی نماید بنابراین می‌توان گفت؛ مسئولیت مدنی، تأمین اجتماعی و بیمه در جبران خسارت مکمل یکدیگرند.

۵-۱-۲-۲. پرداخت خسارت از طرف تأمین اجتماعی

در قانون تأمین اجتماعی، خساراتی که سازمان متعهد به پرداخت آن به بیمه‌گذار، شده است عبارت‌اند از: «گرامت دستمزد ایام بیماری، گرامت مقطوع نقص عضو، خدمات درمانی و توان‌بخشی، پرداخت مستمری از کارافتادگی کلی و جزئی و مستمری بازماندگان. برخی به اعتبار هزینه‌هایی که سازمان در طول زمان برای چنین مزایایی متقبل می‌شود آن‌ها را به تعهدات کوتاه‌مدت، تعهدات بلندمدت و «تعهدات درمانی» تقسیم کرده‌اند» (عراقی و همکاران، ۱۳۸۶، ۵۴).

در قانون تأمین اجتماعی ایران نیز، به موجب ماده ۵۶: «به منظور توان‌بخشی، ترمیم و تجدید فعالیت بیمه‌شدگان آسیب‌دیده که قدرت کار اولیه خود را از دست داده‌اند، سازمان تأمین خدمات درمانی، برای اشتغال آن‌ها به کارهای مناسب دیگر طبق آئین‌نامه‌هایی که از طرف شورای فنی سازمان مذکور پیشنهاد و به تصویب شورای عالی سازمان خواهد رسید از طریق مؤسسات حرفه‌ای معلولین اقدام خواهد نمود».

در بندهای «ب» و «ج» ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون الزام سازمان تأمین اجتماعی به اجرای بندهای الف و ب ماده ۳ قانون تأمین اجتماعی «توان‌بخشی و تجدید فعالیت بیمه‌شدگان آسیب‌دیده که قدرت کار خود را از دست داده‌اند و اقدام در زمینه اشتغال آنان به کارهای مناسب و تحویل وسایل کمک پزشکی به منظور اعاده سلامت یا برای جبران نقص جسمانی، و یا تقویت یکی از حواسشان، جزء تعهدات قانونی سازمان تأمین اجتماعی» بر شمرده است.

علاوه بر حمایت‌های درمانی و توان‌بخشی بخش دوم تعهدات سازمان در جبران خسارت مربوط به

پرداخت‌های نقدی است که به صورت‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت صورت می‌گیرد.

پرداخت‌های کوتاه‌مدت شامل: ۱- گرامت دستمزد در صورت ناتوانی در انجام کار ۲- گرامت مقطوع نقص عضو ۳- کمک‌هزینه کفن و دفن می‌باشد و پرداخت‌های بلندمدت نیز شامل: ۱- مستمری از کارافتادگی کلی ناشی از کار ۲- مستمری از کار افتادگی جزئی ناشی از کار ۳- مستمری بازماندگان می‌گردد.

گرامت‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت هر کدام بر اساس قانون میزان پرداخت و مدت پرداخت مشخصی دارند و بعلاوه مستحقین دریافت مزایای تأمین اجتماعی در قانون مشخص شده‌اند. این اشخاص بر اساس مقررات ارث تعیین نمی‌شوند. استحقاق دریافت گرامت پرداختی از سوی تأمین اجتماعی در قانون به میزان مشخص و به افراد مشخص و به مدت مشخص تعیین شده است لذا گرامت توسط دادگاه یا کارشناس تعیین نخواهد شد. از این حیث با بیمه‌های مسئولیت متفاوت می‌گردد. هر چند بیمه‌های مسئولیت نیز سقف مشخصی برای پرداخت دارند اما در محدوده این سقف مشخص پرداخت‌ها بر اساس میزان مسئولیت واردکننده زبان است. مبنای رجوع بیمه‌های اجتماعی برای استرداد پرداخت‌هایشان قائم‌مقامی است.

۵-۱-۲-۳. رجوع سازمان تأمین اجتماعی به عامل اصلی زبان

جبران خسارت از طریق مسئولیت مدنی (اصل) و از طریق نظام تأمین اجتماعی (فرع) است و تنها منطبق پیشگیری از معافیت مقصر از مسئولیت و ممنوعیت جبران خسارت مضاعف زیان‌دیده است. بنابراین در این‌که سازمان پس از جبران خسارت بتواند به مسئول اصلی یا مقصر حادثه (کارفرما) رجوع کند هیچ تردیدی نیست و در واقع می‌توان

ناشی از کار مشاهده پیچیدگی بیشتر از نحوه جبران خسارت حوادث ناشی از کار هستند لاجرم می‌بایست به رویه‌های موجود در بیمه‌های خصوصی تأمین اجتماعی و آرای دادگاه‌ها اتکا نمود.

بنابر اصل شخصی بودن مسئولیت مدنی و پذیرش این اصل در فقه و نظام حقوقی ایران واردکننده زبان مسئول جبران خسارت است و تکلیف شرکت بیمه و تأمین اجتماعی در جبران خسارت حکمی استثنائی است که از طرفی برای حمایت از زیان‌دیده (شخص ثالث) در مقابل اعسار واردکننده زیان (کارگر) و از طرف دیگر حمایت از زیان‌دیده (کارگر) در مقابل ورشکستگی کارفرما و قدرت غالب کارفرما در تحمیل خسارت به کارگر و سوءاستفاده از قدرت مغلوب کارگر وضع شده است. پس باید توجه داشت که اصل لزوم جبران کامل خسارت در خصوص جبران خسارت حوادث ناشی از کار هیچ منافاتی با اصل منع چند وسیله جبران ضرر ندارد و زبان می‌تواند هم از طریق بیمه‌های خصوصی و هم از طریق نظام مسئولیت مدنی تقاضای جبران خسارت نماید و در کنار آن‌ها از مزایا و تعهدات قانونی تأمین اجتماعی نیز بهره‌مند شود، چون با فرض حق رجوع سازمان تأمین اجتماعی مقرر در ماده ۶۶ ق.ت.ا. و تبصره ۲ همان ماده و با فرض حق رجوع بیمه‌های خصوصی مقرر در ماده ۳۰ ق.ب. اصل لزوم جبران کامل خسارت و منع جمع چند وسیله جبران ضرر محقق می‌شود و جبران خسارت از طریق نظام مسئولیت مدنی تحقق پیدا می‌کند و به عبارتی علی‌رغم عدم تصریح قانون‌گذار می‌توان گفت جبران خسارت از طریق مسئولیت مدنی «اصل» و از طریق نظام تأمین اجتماعی و بیمه «فرع» است. و از طرفی چون جبران کامل خسارت در نظام تأمین اجتماعی و

سازمان تأمین اجتماعی به قائم‌مقامی کارفرما یا مقصر و مسئول اصلی جبران خسارت از زیان‌دیده جبران خسارت می‌نماید (دوانی، ۱۳۸۵، ۹۱).

۵-۱-۳. امکان جمع مسئولیت مدنی کارفرما و تأمین اجتماعی

«برخی از حقوقدانان اصل منع جمع چند وسیله جبران را پذیرفته و در تبیین عدم امکان جمع چند وسیله جبران ضرر بیان می‌دارند که در هر مورد که به وسیله‌ای از زیان‌دیده جبران خسارت شود ضرر از بین می‌رود و دوباره نمی‌توان آن را مطالبه کرد به عبارتی زیان‌دیده نمی‌تواند دو یا چند وسیله جبران ضرر را با هم جمع کند» (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۱۱۵)؛ بنابراین در صورت تعدد واردکنندگان خسارت و با فرض مسئولیت تضامنی مقصرین یا مسئولین جبران خسارت با گرفتن خسارت از یکی، دیگری بری‌الذمه می‌شوند و در هیچ حالتی زیان‌دیده حق گرفتن خسارت مضاعف را ندارد، و با این اوصاف در عمل با مشکلاتی مواجه هستیم، در موردی که زیان‌دیده از تأمین اجتماعی و بیمه مسئولیت مدنی مبلغی به عنوان خسارت می‌گیرد نسبت به مابقی خسارت می‌تواند به عامل ورود زیان مراجعه نماید؟ اگر می‌تواند مبالغ پرداختی و جمع چند وسیله جبران پرداخت چگونه است؟ جبران خسارت مضاعف محسوب نمی‌گردد؟ «در هیچ منبع قانونی بر اصل و فرع بودن یکی از نظام‌های جبران خسارت و حق انتخاب داشتن زیان‌دیده در انتخاب یکی از وسیله‌های جبران ضرر تصریح نشده است و قانون‌گذار جبران خسارت به وسیله بیمه یا تأمین اجتماعی را نیز موجب کاهش یا رافع مسئولیت واردکننده زیان نمی‌داند» (پوردهقان، ۱۳۹۷، ۴)؛ بنابراین به لحاظ این که نظام حقوقی منسجم و مشخصی در این خصوص وجود ندارد روزبه‌روز با افزایش گونه‌های متفاوت حوادث

می‌شود و جبران خسارت از طریق نظام مسئولیت مدنی تحقق پیدا می‌کند.

۵-۲. نقش تقصیر در خسارت ناشی از حقوق کار

نظریه تقصیر بر اصل برائت استوار است که بر مبنای آن اصل بر برائت است مگر این که خلاف آن ثابت شود. (حسینی‌نژاد، ۱۳۸۹، ۱۷۱-۱۷۲). در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی از نظریه تقصیر متابعت شده است. در این ماده مسئول جبران زیان در اثر عدم مواظبت و نگاهداری کسانی است که عهده‌دار مواظبت و نگاهداری از مجنون یا صغیر ممیز یا غیر ممیز زیرا سبب اقوای از مباشر است (امامی، ۱۳۸۹، ۵۸۶). «در مسئولیت مبتنی بر تقصیر، بار اثبات تقصیر به عهده زیان‌دیده است و زیان‌دیده از تمام دلایل و امارات می‌تواند برای اثبات تقصیر استفاده نماید. در واقع مسئولیت ضمان زیان‌زننده مشروط به اثبات تقصیر وی از ناحیه زیان‌دیده است. مثال بارز این نوع مسئولیت امین است. شخص امین مسئول نیست مگر در صورتی که تعدی یا تفریط کرده باشد و بار اثبات این تعدی و تفریط به عهده طرف دعوا می‌باشد. به عبارت دیگر، طرف دعوا می‌بایست تقصیر امین را با دلایل و امارات ثابت کند و مادامی که وی موفق به اثبات تعدی و تفریط شخص امین نگرددیده است حکم به ضمان امین نمی‌شود» (جاویدپور، ۱۳۹۸، ۵). ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ اشاره می‌دارد: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان و...» مبتنی بر نظریه تقصیر است.

در حقوق موضوعه ایران اساساً مسئولیت مدنی بر مبنای نظریه تقصیر استوار است و از این رو شخص

بیمه پذیرفته نشده است و تا سقف مشخص و معینی خسارت پرداخت می‌نمایند و برخی از خسارات دیگر از قبیل خسارات معنوی، افزایش هزینه‌های زندگی و خسارت بر اموال تحت پوشش نظام‌های فوق نمی‌باشد زیان‌دیده جهت جبران - خسارت کامل لاجرم می‌بایست طبق قواعد عام مسئولیت مدنی علیه واردکننده زیان طرح دعوی نماید؛ بنابراین می‌توان گفت؛ مسئولیت مدنی، تأمین اجتماعی و بیمه در جبران خسارت مکمل یکدیگرند (احمدی، نظرنیا خراجو و ضرابی، ۱۳۹۹، ۸۹).

بنابر اصل شخصی بودن مسئولیت مدنی و پذیرش این اصل در فقه و نظام حقوقی ایران وارد کننده زیان مسئول جبران خسارت است و تکلیف شرکت بیمه و تأمین اجتماعی در جبران خسارت حکمی استثنائی است که از طرفی برای حمایت از زیان‌دیده (شخص ثالث) در مقابل اعسار وارد کننده زیان (کارگر) و از طرف دیگر حمایت از زیان‌دیده (کارگر) در مقابل ورشکستگی کارفرما و قدرت غالب کارفرما در تحمیل خسارت به کارگر و سوء استفاده از قدرت مغلوب کارگر وضع شده است. پس باید توجه داشت که اصل لزوم جبران کامل خسارت در خصوص جبران خسارت حوادث ناشی از کار هیچ منافاتی با اصل منع چند وسیله جبران ضرر ندارد و زبان می‌تواند هم از طریق بیمه‌های خصوصی و هم از طریق نظام مسئولیت مدنی تقاضای جبران خسارت نماید و در کنار آنها از مزایا و تعهدات قانونی تأمین اجتماعی نیز بهره‌مند شود، چون با فرض حق رجوع سازمان تأمین اجتماعی مقرر در ماده ۶۶ تأمین اجتماعی و تبصره ۲ همان ماده و با فرض حق رجوع بیمه‌های خصوصی مقرر در ماده ۳۰ قانون بیمه اصل لزوم جبران کامل خسارت و منع جمع چند وسیله جبران ضرر محقق

آنکه کارفرما تقصیری مرتکب شده باشد و وی مسئول جبران خسارت واقع می‌شود. منظور از بخش دوم ماده فرض تقصیر کارفرما در صورت عدم رعایت احتیاط‌های متناسب با اوضاع و احوال قضیه می‌باشد و در صورت عدم رعایت احتیاط‌های مزبور کارفرما مرتکب تقصیر شده و مبنای مسئولیت او در جبران خسارت تقصیر است و در واقع می‌توان گفت در این مورد مسئولیت کارفرما استثناء بر اصل شخصی بودن مسئولیت نیست و ماهیت مسئولیت کارفرما شخصی است نه ناشی از فعل کارگر بلکه قانون مسئولیت مدنی اوست که بر مبنای تئوری تعهد ایمنی و تکلیف به احتیاط می‌بایست احتیاط‌های لازم و متناسب با اوضاع و احوال قضیه را مراعات می‌نمود و تعهد کارفرما در این بخش از مسئولیت تعهد به نتیجه است.

۵-۲-۱. تقصیر کارفرما

«در باره مسئولیت کارفرما نسبت به خساراتی که کارگر هنگام کار با به سبب آن می‌بیند، قانون حکم صریحی ندارد. ولی از مفاد قانون تأمین اجتماعی به خوبی می‌توان آن را استنباط کرد» (دوانی، ۱۳۸۵، ۹۱). به موجب ماده ۳ این قانون، «سازمان تأمین اجتماعی عهده دار بیمه و تعاون کلیه کارگران نسبت به حوادث ناشی از کار است. کارفرمایان موظفاند کارگران خود را، صرف نظر از نوع کار و ترتیب استخدام و نحوه پرداخت مزد با حقوق (اعم از نقدی یا غیرنقدی) نزد سازمان بیمه نمایند». بر اساس بند ۱ از ماده ۲۱ «بخشی از حق بیمه از حقوق کارگر و بخش عمده آن به عهده کارفرما است»، ولی بر اساس ماده ۳۹ قانون تأمین اجتماعی «مسئول پرداخت آن به سازمان کارفرما است»

«نکته مهمی که باید در نظر داشت این است که مسئولیت کارفرما نسبت به حق بیمه و همچنین

وقتی مسئول است که در انجام اعمال خود مرتکب تقصیر یا خطایی شده باشد و تقصیر در ماده ۹۵۳ ق. م به معنی تعدی و تفریط است، تفریط یعنی ترک عملی که به موجب قرارداد یا عرف برای حفظ مال غیر لازم است و تعدی عبارت است از تجاوز نمودن از حدود اذن یا عرف نسبت به مال یا حق دیگری.

بنابراین تقصیر در برگیرنده تخلف از تعهد و التزام قانونی یا قراردادی و یا تجاوز یک شخص به حقوق شخص دیگری برخلاف عرف است و به عبارتی می‌توان گفت که تقصیر عبارت است از عمل خلاف حق که یک شخص نسبت به شخص دیگری انجام می‌دهد. در نهایت این که طبق ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی اصل بر مسئولیت کارفرماست مگر این که خلافش ثابت شود؛ زیرا کارفرما مسئول کارهای کارگر است و پاسخ‌گوی اعمال وی می‌باشد و دارای مسئولیت تضامنی و نیابتی از باب تقصیر کارگر می‌باشد و همچنین وی می‌بایست تمام احتیاط‌هایی را که قابل تصور است و با رعایت آن‌ها می‌توان از وقوع حادثه جلوگیری کرد به عمل آورد و عدم اطلاع وی از احتیاط‌های لازم و چگونگی انجام آن‌ها مانع از مسئولیت وی نمی‌باشد؛ لذا از این باب گفته می‌شود که برای کارفرما فرض مسئولیت در نظر گرفته می‌شود و وی دارای مسئولیت شخصی می‌باشد مگر این که تمام احتیاط‌های لازم را به عمل آورده باشد و خسارت ناشی از یک حادثه غیرقابل پیش‌بینی بوده باشد. با امعان نظر به نظریه تقصیر در حوادث ناشی از کار می‌توان تقصیر را حول سه محور مورد نقد و بررسی قرار داد (بادینی، ۱۳۸۴، ۳۱۹).

می‌توان مبنای مسئولیت در بخش نخست ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی را مبتنی بر تضمین حق و مسئولیت نیابتی قلمداد نمود که در آن بدون

خطر بود، چنین امری موجب معافیت نمی‌شد.

بنابراین، مبنای مسئولیت کارفرما در این ماده، نظریه تقصیر است، منتها قانون‌گذار تقصیر کارفرما را مفروض به شمار آورده و بار اثبات آن را از عهده زیان‌دیده برداشته است. به دیگر سخن هرگاه خسارتی از افعال کارگر به اشخاص ثالث وارد آید، فرض آن است که کارفرما احتیاط‌های لازم را نکرده است. البته این فرض یا اماره تقصیر غیرقابل رد نیست و می‌توان خلاف آن را به اثبات رساند. اثبات این امر بر عهده کارفرما (خواننده دعوی) قرار داده شده تا به نوعی از زیان‌دیده حمایت شود.

«طبق این نظریه چون کارفرما از حقوق کافی و لازم در خصوص مراقبت، کنترل و نظارت بر رفتار و اعمال کارگر خود برخوردار است بنابراین مسئول خسارت و اعمال و رفتار سوء کارگر خویش می‌باشد و زیان و خسارت وارده می‌بایستی توسط کارفرما جبران گردد. این نظریه توسط شخصی بنام برترند مطرح گردیده است و بر اساس آن کارفرما برای کلیه تقصیرات و جرائم مدنی کارگر خویش که صراحتاً از آن ممانعت نموده است مسئولیت دارد» (احمدوند، ۱۳۸۴).

به نظر می‌آید بر مبنای مسئولیت تقصیر کارفرما نیست (تقصیر در انتخاب کارگر و یا کارمند یا تقصیر در مراقبت و تهیه وسایل باشد)؛ چراکه اگر علت تقصیر یکی از موارد بود کارفرما می‌توانست با اثبات آن مسئولیت را از دوش خود ساقط نماید؛ زیرا در سیستم حقوقی ایران بر اساس ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی فرض بر تقصیر است و زیان‌دیده نیازی به اثبات تقصیر کارفرما

تعهدات سازمان بیمه های اجتماعی موکول به انعقاد قرارداد بیمه بین کارفرما و سازمان نیست، بلکه خودبه‌خود و به‌موجب قانون ایجاد می‌شود» (اسدی‌نیا، ۱۳۹۴، ۹۳). بخش دوم ماده ۳۹ در این باره مقرر می‌دارد: «در صورتی که کارفرما از کسرحق بیمه‌شده خودداری نماید، شخصاً مسئول پرداخت آن خواهد بود و در هر حال تأخیر پرداخت حق بیمه با عدم پرداخت آن رافع مسئولیت و تعهدات سازمان در مقابل بیمه‌شده نخواهد بود» «بدین ترتیب، هر کارگری خودبه‌خود و به حکم قانون ثبت به حوادث ناشی از کار بیمه است و کارفرما موظف است حق بیمه را بپردازد و این امر مفهومی جز مسئولیت کارفرما نسبت به حوادث ناشی از کار، هرچند که مبتنی بر اعمال و بی‌احتیاطی کارگر باشد، ندارد» (بهرامی‌احمدی؛ آقاعباسی، ۱۳۹۲، ۶۹).

مبنای تعیین مسئول بدون توجه به تقصیر، این است که جبران خساراتی که ممکن است به واسطه کارگران به وجود آید باید به عهده کسی گذاشته شود که به دلیل وضعیتش، هم از فعالیت آن‌ها بهره می‌برد و هم می‌تواند از خسارات جلوگیری کند.

در حقوق ایران، برخلاف حقوق فرانسه، مسئولیت کارفرما در قبال خسارات ناشی از فعل زیان‌بار کارگر نسبت به اشخاص ثالث مسئولیتی بدون تقصیر و مبتنی بر نظریه خطر نیست، زیرا آن‌گونه که در ماده ۱۲ ق.م.م آمده است، اثبات بی‌تقصیری از جانب کارفرما و این‌که او تمام احتیاط‌هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده به عمل آورده است، موجب رفع مسئولیت می‌شود، در حالی که اگر مبنای نظری مسئولیت کارفرما، نظریه ایجاد

ندارد و به محض ورود خسارت بدون نیاز به تقصیر می‌تواند جبران خسارات را از کارفرما درخواست نماید.

۵-۲-۲. تقصیر بیمه‌شده یا کارگر زیان‌دیده

با توجه به عدم وجود نص قانونی در خصوص تقصیر عمدی یا غیرعمد کارفرما به نظر می‌رسد با تمسک به اصول و قواعد حاکم بر قانون تأمین اجتماعی بتوان گفت که اگر خسارت ناشی از تقصیر عمدی کارفرما یا نمایندگان وی باشد مقررات حوادث ناشی از کار اعمال نخواهد شد، زیرا مطابق بند ۸ ماده ۲ و ماده ۶۰ ق.ت.ا. حادثه ناشی از کار رویدادی است پیش‌بینی نشده، که در حین انجام وظیفه و به سبب آن برای بیمه‌شده اتفاق می‌افتد؛ بنابراین در صورت تقصیر عمدی کارفرما، حادثه غیر ناشی از کار است و زیان‌دیده صرفاً در خصوص تأمین اجتماعی می‌تواند از مزایای حوادث غیر ناشی از کار استفاده نماید و برای جبران کامل خسارات می‌تواند طبق قواعد عام مسئولیت مدنی علیه عامل زبان اقامه دعوی نماید.

«در حوادث ناشی از کار چه حادثه ناشی از تقصیر عمد کارفرما یا نمایندگان وی باشد و چه ناشی از تقصیر غیرعمد آنان باشد سازمان تأمین اجتماعی حق رجوع به مقصر را دارد و به موجب ماده ۶۶ ق.ت. در صورتی که ثابت شود وقوع حادثه مستقیماً ناشی از عدم رعایت مقررات حفاظت فنی و بروز بیماری ناشی از عدم رعایت احتیاط لازم از طرف کارفرما یا نمایندگان وی بوده، سازمان هزینه‌های انجام‌شده از قبیل درمان، گرامت، مستمری‌ها را طبق ماده ۵۰ ق.ت.ا. از کارفرما مطالبه و وصول خواهد کرد» (خدابخشی، ۱۳۹۲، ۴۸)؛ بنابراین می‌توان پذیرفت در قانون تأمین اجتماعی مسئولیت کارفرما در قبال کارگر مبتنی بر نظریه تقصیر است و مراجعه به کارفرما طبق قواعد عام

مسئولیت مدنی(اصل) و جبران خسارت از طریق تأمین اجتماعی(فرع) است.

بهموجب ماده ۸ قانون تأمین اجتماعی «حادثه ناشی از کار اتفاقی پیش‌بینی نشده است که تحت تأثیر عامل یا عوامل خارجی در اثر عمل یا اتفاق ناگهانی رخ می‌دهد و موجب صدماتی بر جسم و روان بیمه‌شده می‌گردد»؛ بنابراین با تمسک به ماده فوق می‌توان گفت چنانچه کارگر یا بیمه‌شده عمداً و به‌طور ارادی به خودش صدمه بزند مرتکب تقصیر عمدی شده و از گرفتن خسارت از تأمین اجتماعی محروم خواهد شد و تنها می‌تواند از خدمات پزشکی و بیمارستانی و مستمری حوادث غیرناشی از کار استفاده نماید و دلیل عدم بهره‌مندی کارگر یا بیمه‌شده از مزایای تأمین اجتماعی قطع ارتباط بین خسارت و کار به دلیل تقصیر عمدی کارگر می‌باشد و در صورت زیان واردشده به شخص ثالث از تقصیر کارگر، هرچند کارفرما دارای مسئولیت نیابتی و تضامنی می‌باشد و جبران خسارت وارده بر ثالث به عهده‌ی اوست ولی این امر منافاتی با مراجعه‌ی بعدی کارفرما به کارگر مقصر طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی ندارد (احمدی، نظرنیا خراجو و ضرابی، ۱۳۹۹، ۹۱).

۵-۲-۳. تقصیر شخص ثالث

«امکان دارد حادثه ناشی از کار در اثر تقصیر شخص ثالث (کسی غیر از کارفرما یا نماینده وی در اداره کارگاه) اتفاق بیافتد در این صورت شخص ثالث مقصر و مسئول است و زیان‌دیده یا بازماندگان وی می‌توانند جهت جبران کامل خسارات طبق قواعد عام مسئولیت مدنی به شخص ثالث مراجعه نمایند» (صابری، ۱۳۹۲، ۹۴) و در این خصوص صرفاً از مزایای حوادث غیرناشی از کار از سازمان تأمین

و یا دشواری اثبات تقصیر وی جبران نشود لذا قانون و دکتری علاوه بر قائل شدن به- فرض تقصیر برای خواننده در برخی موارد به منظور تأمین هرچه بیشتر حقوق زیان دیده، مسئولیت محض یا مسئولیت نوعی را معین نموده است. این اصطلاح نمودار مسئولیتی است که به حکم قانون و بر پایه مصلحت و تدبیر ایجاد می شود و تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی نیست، به همین جهت هم آن را مسئولیت نوعی نامیده اند هدف از این مسئولیت تحمیل ضمان به نتیجه فعل است نه کیفیت آن؛ بدین معنی که، اگر در قواعد عمومی، فعل زیان بار سبب ضمان می شود و مهم ترین مسئله آن، احراز فعل ناروا و انتساب آن به مسئول است، در این قلمرو استثنایی، به نتیجه کار شخص توجه دارد و نتیجه ناگوار و مضر، برای ایجاد مسئولیت کافی است» (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱، ۷۴).

«در مسئولیت محض (نوعی) کافی است خواهان ثابت نماید که ضرری از فعل خواننده به وی وارد آمده است که در این صورت بلافاصله حکم به مسئولیت خواننده داده می شود. به عبارت دیگر، در مسئولیت محض، احراز تقصیر خواننده صورت نمی گیرد و حتی اگر خواننده تقصیری انجام نداده باشد، حکم به ضمان وی صادر می گردد و تنها انتساب ورود ضرر به قوه قاهره می تواند خواننده را از نتیجه به بار آمده مبرا کند. تفاوت مسئولیت محض با فرض تقصیر در این است که در فرض تقصیر، خواننده اگر بی تقصیری خود را ثابت کند و یا اثبات نماید که علت وقوع حادثه و ایراد ضرر، فورس مازور و حادثه خارجی غیرقابل پیش بینی و غیرقابل دفع، بوده است از مسئولیت مبرا می گردد،

اجتماعی استفاده می نمایند و تأمین اجتماعی نیز با دو فرض می تواند جهت استرداد هزینه های انجام شده به شخص ثالث مراجعه نماید.

فرض اول در صورتی که شخص ثالث تحت پوشش مسئولیت مدنی باشد: طبق تبصره ۲ ماده ۶۶ ق. ت. ا. سازمان تأمین اجتماعی کمک های قانونی و خدمات درمانی را به بیمه شده انجام می دهد و نسبت به استرداد هزینه در حدود تعهدات شرکت های بیمه به اشخاص ثالث، به شرکت ها بیمه مراجعه می نماید.

فرض دوم- در صورتی که شخص ثالث تحت پوشش مسئولیت مدنی نباشد: قانون گذار در این مورد ساکت است ولی در صورتی که سازمان بتواند به بیمه گر واردکننده زبان رجوع کند به طریق اولی به خود وی نیز حق رجوع دارد. و طبق قاعده عام مسئولیت مدنی شخص ثالث باید از عهده ی جبران خسارت وارده برآید.

۳-۵. ضرورت توجه به نظریه مسئولیت محض

در جبران خسارت ناشی از حقوق کار

در بیشتر کشورها مانند فرانسه جهت جبران خسارت ناشی از مسئولیت مدنی تلاش نموده اند تا در ابتدا از طریق تغییر مبنای مسئولیت مدنی از تقصیر به مسئولیت محض از کارگران در مقابل حوادث ناشی از کار حمایت به عمل آورند. و سپس جهت توزیع ضرر استفاده از بیمه اجباری و تأمین اجتماعی را گسترش بیشتری دهند (بادینی، ۱۳۸۴، ۵۹۵).

در حقوق ایران «مسئولیت مدنی مبتنی بر نظریه تقصیر است و هرکس مسئول زیان هایی است که به عمد یا در نتیجه بی احتیاطی به دیگران می زند. ولی پیروی از این نظریه باعث می گردد که بسیاری از زیان ها به دلیل عدم توانایی خواهان در اثبات تقصیر خواننده

درحالی که در مسئولیت نوعی (محض)، فقط در صورتی که خواننده ثابت نماید که علت وقوع ضرر فورس ماژور بوده است از مسئولیت مبرا می‌گردد و حتی اگر بی‌تقصیر خود را نیز ثابت نماید، تأثیری در مسئولیت وی نخواهد داشت و حکم به ضمان می‌گردد» (حسینی نژاد، ۱۳۸۹، ۱۷۱-۱۷۲). در مسئولیت محض (نوعی) کافی است خواهان ثابت نماید که ضرری از فعل خواننده به وی وارد آمده است که در این صورت بلافاصله حکم به مسئولیت خواننده داده می‌شود. به عبارت دیگر، در مسئولیت محض، احراز تقصیر خواننده صورت نمی‌گیرد و حتی اگر خواننده تقصیری انجام نداده باشد، حکم به ضمان وی صادر می‌گردد و تنها انتساب ورود ضرر به قوه قاهره می‌تواند خواننده را از نتیجه به بار آمده مبرا کند.

۴-۵. ضرورت توجه به نظریه تضمین در جبران خسارت ناشی از حقوق کار

حق در اعمال کارگر بر این اساس کارفرما باید از جبران خسارت وارده از سوی کارگر خویش بر اشخاص ثالث برآید چراکه کارگر معمولاً از امکانات و شرایط مالی برخوردار نیست که بتواند جبران خسارت وارده بر اشخاص ثالث برآید. «از طرفی هم کارفرما از کارهای او سود و منفعت می‌برد و به مقتضیات قانون ضرری نباید بدون جبران باقی بماند از این بابت کارفرما در قبال جبران خسارت وارده از سوی کارگر خویش در قبال اشخاص ثالث ضامن است» (صابری، ۱۳۹۲، ۹۴) اما بر اساس مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ ایرادی و جوابی بر این نگرش وجود دارد: «اولاً: نظریه ضمانت کارفرما با ضمان مذکور در قانون مدنی متفاوت است چراکه در عقد

ضمان رضایت ضامن شرط است حال این که کارفرما راضی باشد و یا نباشد ضامن اعمال کارگر خویش است. در جواب می‌توان گفت کارفرما در هنگام انعقاد قرارداد به‌طور ضمنی این ضمانت را می‌پذیرد که الزامی بودن مسئولیت کارفرما براساس قانون مؤید این نکته است. دوماً: ضمانت کارفرما در قبال کارگر از نوع ضمانت مالیمه است؛ چراکه هنوز دینی بر عهده کارگر ایجاد نشده است در جواب با توجه به قبول ضمنی مسئولیت توسط کارفرما در هنگام ایراد خسارت از سوی کارگر خویش با اثبات رعایت احتیاط کامل از جانب او می‌تواند از مسئولیت ناشی از اعمال کارگر خویش مبرا گردد. ثالثاً: اگر پذیرفته شود که براساس قرارداد کار و به‌طور ضمنی کارفرما ضمانت کارگر را برعهده می‌گیرد معلوم نیست چرا کارفرما می‌تواند با اثبات رعایت احتیاط‌های لازم از جانب او بر اساس ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی. از مسئولیت مبرا شود» (بهرامی احمدی؛ آقاعباسی، ۱۳۹۲، ۷۲). براساس ماده ۶۹۸ ق.م.ب.ا انعقاد ضمانت به‌طور صحیح، ذمه مضمون‌عنه بری می‌شود و ذمه ضامن به مضمون‌له مشغول می‌شود. و هیچ دلیل برای بری‌شدن ذمه ضامن یعنی کارفرما وجود ندارد مگر این که گفته شود التزام به تأدیه ضامن (کارفرما) در این‌جا، معلق به عدم رعایت احتیاط‌های لازم شده است.

۶. نتیجه

در قوانین و مقررات و نظام حقوقی عام مسئولیت مدنی که جبران خسارت را بر قاعده هرکس به کسی خسارت وارد نماید مسئول جبران آن خسارت است یک نظام حقوقی خاص بر پایه حمایت و با چاشنی امری بودن بر کارفرما تحمیل گردید است. قانون گذار خواسته است کسانی را که در نتیجه فعالیت کارخانه و کارگاه زیان می بینند در مقام جبران خسارت با کارگران روبه رو نسازد و زیانی را جبران نشده باقی نگذارد زیرا عدالت اجتماعی اقتضاء دارد کسی که از این کارگاه سود می برد زیان های ناشی از آن را تحمل کند علاوه بر آن چون اداره کارگاه با کارفرما است و او باید کار را به کاردان بسپارد و نظمی برقرار سازد که از اضرار به دیگران جلوگیری شود طبیعی است که باید کارفرما را سبب قوی تر شمرد و سهم او را در این را بیشتر در نظر گیرد. در این خصوص قلمرو قواعد حقوق کار که ناشی از روح و اصول حقوق عمومی می باشد و نسبت به قواعد عام جبران خسارت کم و خاص تلقی می گردد، کاملاً مشهود و حاکم است.

مهم ترین قانون مربوط به مسئولیت مدنی یعنی قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ به خصوص مواد ۱۲ تا ۱۴ که چگونگی مسئولیت کارفرما را نسبت به زیان های وارد شده از سوی کارگران او به اشخاص ثالث را مشخص و ضمانت اجرای (در قواعد عام مانند قانون مجازات و...) و تضمین این جبران خسارت را به صورت نص صریح و روشن مشخص می نماید که روح حمایتی و امری بودن حاکم بر این مواد را می توان

دریافت. بر این اساس، زیان دیده الزامی بر اثبات قصور کارفرما و عدم رعایت احتیاط های لازم از جانب وی را ندارد و صرف ورود ضرر برای مسئول دانستن کارفرما کافی است ولی این به معنای آن نیست که کارفرما نتواند خلاف آن را ثابت نماید و خود را از مسئولیت برهاند زیرا احتیاط های متعارف برای احتراز از وقوع حوادثی است که قابل پیش بینی است و وقوع آن حتمی است؛ لذا حادثه ای که به رغم احتیاط متعارف رخ می دهد حادثه ای غیر قابل اجتناب است که در صورت ورود خسارت از فعل کارگر برای کارفرما مسئولیت نمی آورد؛ لذا پیش بینی خسارت در کنار تقصیر کارفرما مفروض است و کارفرما برای رهایی از مسئولیت باید نامنتظره بودن و غیر قابل اجتناب بودن ضرر را اثبات نماید.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

منابع فارسی

- احمدوند، ولی‌الله، «مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی کارفرما در سیستم حقوقی ایران و انگلیس»، مجله علوم انسانی (دانشگاه امام حسین (ع))، شماره شصت و یکم، ۱۳۸۴.
- احمدی، سیدعلی؛ اسلامی، داود؛ مسئولیت کارفرما در قبال زیان ناشی از فعل کارگر به ثالث در فرض اقدام کارگر خارج از حیطة دستورات، مجله: تحقیقات حقوق قضایی، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹.
- احمدی، محمد؛ نظرنیا خراجو، سارا؛ ضرابی، مجتبی، تحلیلی بر انواع مسئولیت‌های کارفرما با نگاهی بر قوانین کار و تامین اجتماعی، مجله مطالعات حقوق شهروندی، شماره شانزدهم، پاییز ۱۳۹۹.
- اسدی‌نیا، فاطمه؛ ضرابی، مجتبی؛ جامی، جواد، «چگونگی مسئولیت مدنی کارفرما ناشی از زیان‌های وارده به کارگران در حوادث ناشی از کار»، قم، اولین همایش ملی علوم انسانی اسلامی، ۱۳۹۴.
- امامی، سیدحسین، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ بیست و نهم، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیة، ۱۳۸۹.
- بادینی، حسن و دیگران، «مسئولیت محض، مبانی و مصادیق»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، شماره اول، ۱۳۹۱.
- بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
- بادینی، حسن، «جسارتی نقادانه در نظام حقوقی تأمین اجتماعی»، فصلنامه حقوق / مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره چهارم، ۱۳۸۷.
- بادینی، حسن؛ اسلامی‌پناه، علی؛ مقصودی، فرشته، «مسئولیت کارفرما در قبال کارگر در حوادث کار»، ماهنامه کار و جامعه، شماره یک‌صد و پنجاه و سوم، ۱۳۹۱.
- بهرامی‌احمدی، حمید؛ آقاعباسی، رضا، «بیمه‌ی مسئولیت مدنی کارفرما درمقابل خسارات کارگران در حقوق اسلامی ایران»، فصلنامه علمی و تخصصی اندیشمندان حقوق، شماره سوم، ۱۳۹۲.
- پوردهقان، بیژن، «بررسی مسئولیت مدنی کارفرما نسبت به کارگر»، سمنان - دامغان، اولین همایش ملی ارتقاء نظام مسئولیت مدنی در حقوق ایران چالش‌ها و راهکارها، ۱۳۹۷.
- جاویدپور، محمدحسین، بررسی مسئولیت مدنی کارفرما نسبت به ایمنی محیط کار، چاپ اول، تهران، نشر سایت موسسه حقوقی دادفران مهرپاد، ۱۳۹۸.
- حسینی‌نژاد، حسین قلی، مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۹.
- خدابخشی، عبدالله، جبران خسارت کارگران در نظام مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲.
- خزائلی، محمد، «مسئولیت مدنی ناشی از عمل کارگر»، مجله دفتر حقوقی خدمات بین‌الملل، شماره دوازدهم، ۱۳۹۲.

- دوانی، غلامحسین، مجموعه قوانین و مقررات کار و تأمین اجتماعی، چاپ اول، تهران، انتشارات کیومرث، ۱۳۸۵.

- رومی پور، کیومرث، بررسی مسئولیت کارفرما در قبال کارگران در دوران همه گیری کرونا، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره هشتم، شماره یکم، بهار ۱۴۰۱.

- صابری، علی، مسئولیت مدنی کارفرما، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.

- عراقی و همکاران، سیدعزت‌الله، درآمدی بر حقوق تأمین اجتماعی، چاپ اول، تهران، نشر موسسه عالی پژوهشی تأمین اجتماعی تهران، ۱۳۸۶.

- کاتوزیان، ناصر، الزامات خارج از قرارداد جلد اول، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

- یزدانیان، علیرضا، قلمرو مسئولیت مدنی، جلد اول، چاپ اول، اصفهان، انتشارات آریان، ۱۳۸۹.

